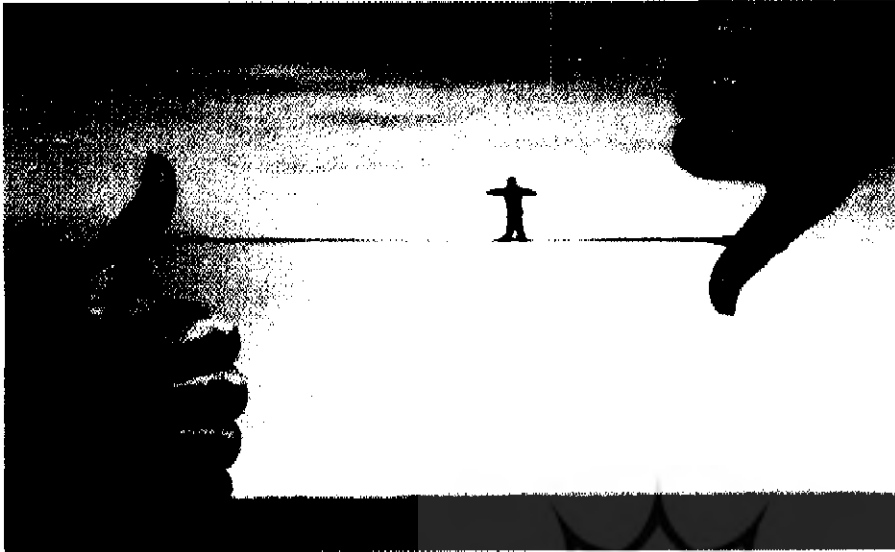


مقاله



پژوهشگاه علوم انسانی  
رساله جامع علوم انسانی

این مجله در راستای اهداف و رسالت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه تهران و به منظور  
پشتیبانی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و  
اجرای سیاست‌های علمی و پژوهشی در این حوزه‌ها و همچنین به منظور  
تعمیر و توسعه فضای علمی و پژوهشی در این حوزه‌ها و همچنین به منظور  
تعمیر و توسعه فضای علمی و پژوهشی در این حوزه‌ها و همچنین به منظور



نگاهی به مسئله اخلاق دانشگاهی

روشنفکر دانشگاهی ارگانیک

✓ علی بابا

بحث اخلاقی دانشگاهی زیرمجموعه ای از اخلاق حرفه ای است. ذیل عنوان اخلاقی حرفه ای با موضوعات دیگر چون اخلاق در علم، تکنولوژی، مهندسی، پزشکی، تکنولوژی های در حال ظهور و فعالیت های تجاری، بنگاهی و اداری مواجه می شویم، که اخلاق دانشگاهی به یک اعتبار با تمام این حوزه ها مرتبط است. این نکته قابل ذکر است که هر کدام از این مسایل، مصادیق و زیر مجموعه هایی دارد؛ در نتیجه می توان تصور کرد که اخلاق دانشگاهی با چه قلمرو فراخی در ارتباط است. اخلاق حرفه ای به وسیله چهارچوب های اخلاقی که بخشی از علم اخلاق را تشکیل می دهند، هدایت می شود. به اخلاق باید از منظر فلسفه اخلاق و حوزه دیگری به نام فرا فلسفه اخلاق (meta ethic) توجه کرد.

تعریف برخی اصطلاحات

اخلاق: جمع خلق، به معنی باطن (سرشت) و ظاهر خوب است. و منظور از علم اخلاق یا اخلاق (morality ethics) آن دسته از اصول، قواعد، آگاهی ها و آموزه هایی هستند که به درست و نادرست، رفتارهای شایسته و نا شایسته و ارزش های خوب و بد در تعاملات انسانی راجع هستند. ethics از واژه یونانی ethos به معنای آداب، رسوم، عرف اجتماعی و شخصیت به کار گرفته می شود. «سیسرون» واژه لاتینی moralities را که الان واژه انگلیسی mors به معنای آداب و رسوم از این واژه گرفته شده، را بر ساخت. moral و معادل هایش که به بد و خوب، درست و نادرست در شخصیت و رفتار انسان ارجح دارد، از این واژه گرفته شده است. زوج های moral ethical, morality, moral philosophy (ethics, moral) معمولاً در زبان انگلیسی با هم به کار می روند، که در خیلی موارد باعث این اشتباه می شود که برخی نویسندگان ethics و morality را به یک معنا به کار نمی برند. به عنوان مثال هگل می گوید: «morality به سقراط، اخلاق مسیحی و کانت مرتبط است و ناظر به چیزی است که فاعل خدایی (فاعل دارای اراده آزاد) انجام می دهد»؛ بدین ترتیب، از دید هگل morality یعنی آنچه به شخص مربوط می شود. در حالیکه ethicality از دید وی عبارتست از یک زندگی هماهنگ و بدون اجبار با دیگران و یک بعد اجتماعی دارد. در برابر هگل، هابرماس به تبعیت از راولز، تعریف را برعکس کرده

دانشگاه و فرد دانشگاهی (تفکیک بین نهاد و کنشگر) و دیگری بین هویت های مختلف فرد دانشگاهی. فهرستی که در اینجا ارائه می شود کاملاً محدود است و می توان ظرفیت های تازه ای در آن پیدا کرد. قابل توجه است که هر کدام از این مقام ها ملاحظات اخلاقی خاص خودش را دارد البته برخی از آنها مشترک است.

۱- مقام فرد دانشگاهی به عنوان پژوهشگر/ دانشمند  
۲- فرد دانشگاهی در مقام تکنولوژیست/ مهندس لازم به ذکر است که این دو مقام با هم به کلی متفاوت است. علم و تکنولوژی علیرغم ارتباط های نزدیک، تفاوت های اساسی با هم دارند که توجه به آنها حایز اهمیت است. از جمله این تفاوت ها این است که علم، هدفش پاسخگویی به نیازهای معرفتی انسان است اما تکنولوژی صرفاً به نیازهای غیر معرفتی انسان پاسخ می دهد. محصولات علمی (گزاره های علمی) معیار قبولشان صدق و کذب است در حالیکه معیار پذیرش محصولات تکنولوژیک کفایت یا عدم کفایت، یعنی کاملاً پراگماتیسی است.

۳- فرد دانشگاهی در مقام مدرس  
۴- فرد دانشگاهی در مقام روشنفکر ارگانیک دانشگاهی به اعتبار اینکه از متوسط جامعه بیشتر می داند، می تواند نقش مهمی در آگاه سازی حیطه عمومی ایفا کند، یکی از مسئولیت های اصلی روشنفکر عرضه اطلاعات، دستگیری از دیگران و بالا بردن تراز معرفتی افراد است.

۵- فرد دانشگاهی در مقام یک مدیر  
۶- فرد دانشگاهی در مقام دانشجو  
۷- فرد دانشگاهی در مقام عضو جامعه مدنی  
۸- فرد دانشگاهی در مقام عضوی از جامعه علمی بین المللی دانشگاه، در مقام یک نهاد، انواع کارکردها و ظرفیت ها را دارد. که هر کدام از آنها ملاحظات اخلاقی معینی را بار می کند. این نکته مهم است که اخلاق حرفه ای نه تنها به کنشگر بلکه به نهاد به عنوان یک هستار مسئولیت و صاحب حق هم توجه دارد.

- دانشگاه در مقام نهادی برای رشد ظرفیت های علمی و تکنولوژیک  
- دانشگاه در مقام نهادی برای تربیت نیروی

و می گوید: «ethic به جنبه های اخلاقی فردی و morality به جنبه های اخلاقی جمعی ناظر است. من در این گفتار این دو واژه را هم معنی به کار می برم و این امر در بیشتر متون دیده می شود؛ در زبان انگلیسی از واژه ethic هم برای نامیدن علم اخلاق و اخلاقیات، هم برای فلسفه اخلاق استفاده می شود، با این تفاوت که در اولی (اخلاقیات)، اسم جمع است و در دومی از زمره اسمی غیر قابل شمارش است. ethics به معنای فلسفه اخلاق، که گاهی اوقات در برخی متون از آن تحت عنوان substantive ethic و normatic ethics یاد می شود، رویکردش بررسی آنچه در ارتباط با شخصیت و رفتار آدمی درست و نادرست یا خوب و بد است، می باشد. هدف فلسفه اخلاق این است که با بررسی تصمیمات، قضاوت ها و ارزیابی فاعلان اخلاقی درستی و نادرستی این تصمیمات و قضاوت ها را مشخص کند؛ بنابراین رویکرد ethic یک رویکرد کاملاً normative است. در برابر meta ethics قرار دارد که به تحلیل مفاهیم اخلاقی لاقول در ۴ تراز می پردازد:

۱- معنای مفاهیم اخلاقی چیست؟ مثلاً وظیفه، دقیقاً از حیث معنانشناسانه یعنی چه؟  
۲- پرسش ناظر به وضع و حال منطقی، دعاوی اخلاقی و اینکه آیا این استدلال های اخلاقی معتبر هستند یا خیر؟

۳- پرسش وجود شناسانه، مثلاً اصول اخلاقی چه وضعیتی دارند؟ آیا آن جور که رئالیست ها می گویند اصول اخلاقی مستقل از فاعل شناسایی موجود در کشف می شوند؟ یا اصول اخلاقی امر برخواست و تابع خواسته های فاعل شناسایی است؟

۴- پرسش شناخت شناسانه، مثلاً آیا چیزی به نام معرفت اخلاقی وجود دارد؟ که اگر وجود دارد دامنه، حدود و مشخصه اش چیست؟

تفاوت اساسی بین meta ethic و ethic این است که در دومی به هیچ عنوان جنبه normatic وجود ندارد یعنی گفته نمی شود که این اقتضا درست است یا غلط، فقط تحلیل می شود.

اخلاق دانشگاهی

در این بحث دو تفکیک انجام می گیرد، یکی بین



- زیست شناسی سنتتیکه حوزه خیلی جدیدی است، که در آن بشر می خواهد بر مبنای آنچه که از مدارهای الکترونیکی و درون سلول آموخته، سلول را به شکل الکترونیک باز سازی کند.  
- توانمند سازی و بهبود بخشی زیست- عصبی و مهندسی زیست- عصبی: تکنولوژی هایی وجود دارد که می تواند توانایی های ادراکی و غیر ادراکی را بالا ببرد، مثلا یک بچه با استفاده از آن می تواند انیشتن بشود. آیا باید این کار را انجام داد؟  
- تحریک مغز به نحو عمقی  
- متصل کردن مغز به کامپیوتر  
- زیست عصب شناسی بازسازی کننده و ترمیم کننده

تصویر برداری از مغز: اسکترها در حال قوی شدن هستند و فهم بشر از قرائت تصاویر اسکتری به حدی رسیده و دیری نخواهد گذشت که می تواند این تصاویر را تفسیر کند و به این ترتیب اندیشه افراد را بخواند.

#### فرد دانشگاهی در مقام روشنفکر ارگانیک

- مسئولیت در برابر حیطه عمومی  
- مسئولیت در قبال صاحب قدرت  
- فرد دانشگاهی در مقام مدیر: بدون توانایی مسئولیتی را احراز نکند.  
- ارتباط با همکاران و حمایت از حقوق آنان  
- حمایت از حقوق دانشجویان و توجه به نیازهای آنان  
- حفظ تراز علمی در عین داشتن مسئولیت اجرایی

- آمادگی برای تحولات شجاعت در اعمال رویه های غیر متعارف اما مفید  
- فرد دانشگاهی در مقام دانشجو و وجدان بیدار جامعه دانشگاه در مقام یک نهاد چند منظوره  
- دانشگاه و اخلاقیات حاکم بر بنگاه های اقتصادی (صیانت از اعضای خانواده دانشگاه، حساسیت در قبال مسائل زیست محیطی، رقابت پذیری سالم)  
- دانشگاه و مسئولیت اخلاقی در قبال نسلهای آینده

- دانشگاه و ملاحظاتی اخلاقی ناظر بر تعاملات بین المللی  
- دانشگاه به منزله یک کنشگر قدرتمند در زیست بوم ملی (تکلیف و حقوق)

تا بدین جا مسایلی را در باب دانشگاه و اخلاق دانشگاهی برشمردیم، اما همه بحث حول این محور بود که این مسایل هست، حال چطور می توان آنها را حل کرد؟ در مقام دانشگاهی، مهمترین ظرفیت و توانایی که باید باشد این است که بتوان با مسایل اخلاقی، که دامنه فوق العاده گسترده ای دارد، تعامل سازنده برقرار کرد و به نحو مناسبی از عهده حلش

- زیاده روی اخلاقی به وسیله بررسی کنندگان و داوران

- رویه های اخلاقی سردبیران و نشران دانشگاهی  
- سرقت علمی و حق مالکیت معنوی  
- تعرض منافع به منزله یکی از مقولات سوء رفتار علمی: به عنوان مثال ظاهرا مقاله ای علمی در یک نشریه چاپ شده، اما در واقع تبلیغ برای چیزی به حساب می آید.  
- کم کاری علمی

**انگیزه های رفتار سوء علمی و روش های مقابله با آن**  
- کشف رفتار سوء علمی و به صدا درآوردن زنگ خطر (افشاگری): افشاگران، آدم های اخلاقی هستند که در یک نهاد شاهد کارهای غیر اخلاقی می شوند و وجدان اخلاقی شان اجازه سکوت نمی دهد، در نتیجه مطلب را به اطلاع همه می رسانند.

- معیارهای به صدا در آوردن زنگ خطر  
- نتایج متهم شدن به سوء رفتار علمی: و محافظت از افراد در هنگام متهم شدن به سوء رفتار علمی: رفتار دانشگاه و دانشگاهی با کسی که به او اتهام زده شده چطور باید باشد؟ آیا باید رابطه قطع شود یا اینکه کار ادامه پیدا کند؟

- قانون حمایت از به صدا درآوردن زنگ خطر  
- در قبال سوء رفتار علمی چه باید کرد؟  
- مسائلی در حوزه پزشکی و فناوری های زیستی  
- حق بیمار برای کسب اطلاعات  
- ارائه کمک های پزشکی  
- امتناع از مداوا

- اخلاقیات مربوط به اشتباهات پزشکی  
- مراقبت بی فایده  
- خودکشی با کمک پزشک  
- تخصیص منابع کمیاب  
- ملاحظاتی اخلاقی مربوط به پیوند اعضا استفاده از اعضای زندانیان، خرید و فروش اعضا

- استفاده از بافت های رویان و جنین  
- آزمایش بر روی انسان و حیوان  
- اخلاقیات مربوط به باروری مصنوعی  
- شبیه سازی  
- اخلاقیات فن آوری سلول های بنیادین  
- بحث مربوط به ژن درمانی مسایل مربوط به حوزه های مهندسی و فن آوری

- مهندسی به منزله تجربه سلمان یافته اجتماعی  
- مهندسی به منزله تجربه گر مسئول: مهندسان می توانند در سطح کلان جامعه تغییر ایجاد کنند. یک بنای خاص می تواند تغییراتی در رفتار افراد ایجاد کند.  
- مهندسان و مساله پراگما

- ایمنی و خطر در فعالیت های مهندسی: مرز خطر کجاست؟ آیا می توان خطر را قبول کرد؟ یا باید به هر قیمتی مانع آن شد.  
- خطر عمومی و قبول عمومی  
- خطر شخصی

- ارزیابی و کاهش خطر  
- توجه به مسایل زیست محیطی  
- مهندسان و توسعه پایدار  
- انتقال تکنولوژی و تکنولوژی مناسب  
- اخلاقیات مربوط به فن آوری های در حال ظهور  
- نانوتکنولوژی

#### انسانی کلرآمد

- دانشگاه در مقام یک مرجع علمی  
- دانشگاه در مقام یک بنگاه اقتصادی- حرفه ای  
- دانشگاه در مقام نهادی در خدمت ترویج علم در حیطه عمومی معیارهای رفتار مناسب علمی به اعتبار تمام آن نقش ها، قلمروهایی برای مسایل داریم. برخی از این قلمروها ممکن است با قلمروهای دیگر هم پوشانی داشته باشد و برخی دیگر فقط مختص آن نقش ها باشد. در مقام عالمان (کسلیکه حرفه شان علم ورزی است)، معیارهای رفتار اخلاقی چیست؟ برخی از مصادیقش عبارتست از:

- صداقت  
- دقت  
- قابل اعتماد بودن  
- گشوده بودن به انتقاد و ارزیابی  
- آزادی در اندیشه

- اذعان به حق دیگری: در فعالیت های علمی این نکته مطرح می شود که دانشمندان و دانشگاهیان کجا باید همکاری دیگران را اذعان و از آنها تقدیر کند؟

- مسئولیت اجتماعی: مسئولیت پذیر بودن دانشگاهی در ارتباط با اجتماع جز اموری است که جنبه های اخلاقی خیلی پر رنگی دارد. مثلا وقتی بمب اتمی در آمریکا منفجر شد، فیزیکدانان آنجا به شدت از نقشی که در تولید بمب به عهده گرفته بودند پشیمان شدند. در پی آن یک جامعه مدنی تحت عنوان انجمن دانشمندان مسئول که هم اکنون نیز وجود دارد، تشکیل دادند.

- احترام متقابل: در مغرب زمین بحث هایی مربوط به تکوین رشته های بین رشته ای هست. افراد فهمیده اند که اگر قرار باشد به فزاینده های تازه ای از فهم واقعیت دست پیدا کنند نیازمند بهره گیری از ظرفیت های موجود در قلمروهای دیگر هستند، که مستلزم این است که وجود ظرفیت در آن قلمروها را به رسمیت بشناسند.

- رعایت مقررات: بی توجهی به مقررات می تواند خیلی مشکل افزا باشد اما در کشور ما، مشکل این است که مقررات سنجیده خیلی کم است. اما در کشورهای دیگر مسئله مقررات اهمیت ویژه ای دارد، به همین دلیل هم توجه به آنها تبدیل به طبیعت ثانویه افراد شده است.

- احترام برای کسانی که سوژه آزمایش ها واقع می شوند

- توجه به حریم خصوصی و مساله حفظ اسرار  
**سوء رفتار علمی افراد**

- رفتار غیر اخلاقی از سوی پژوهشگران و دانشگاهیان: مثلا موضوع تحقیق غیر اخلاقی باشد. اگر دانشمندی حوزه تازه ای را پیشنهاد کند، چگونه متوجه می شود که آن غیر اخلاقی است؟ از مصادیق سوء رفتار این است که بدون توجه به مسائل اخلاقی، نتیجه آن مهم باشد (نتیجه گرایی).

- فراگذری های اخلاقی از جانب نویسندگان (تالیف و انتشار مسئولانه به چه مناسبت؟): به عنوان نمونه وقتی یک بعد فکری در غرب مطرح می شود، بدون فهم ترجمه و در اختیار جامعه گذاشته می شود که محصول این امر فقط انباشته شدن بدفهمی است. این پرسش اخلاقی که آیا با برگرداندن این نکته و در اختیار گذاشتنش در حیطه عمومی کار اخلاقی است؟

و اظهار داشت: یک سری وظایف اخلاقی اولیه وجود دارد، که در هر وضع و حال اخلاقی و در ابتدای امر، برای پرستگر مطرح می شود و بعد فاعل فعل اخلاقی باید با ارزیابی کردن این وظایف، تصمیم بگیرد که در این موقعیت اخلاقی کدام رجحان دارد.

۱- وفاداری: وظیفه (تکلیف) خوش قول بودن و خلف وعده نکردن این وظیفه شامل احترام گذاردن به ضوابط حرفه ای هم می شود.

۲- پرداخت غرامت، جبران خسارت؛ وظیفه در قبال تصحیح خطاهای گذشته

۳- قدر دانی: وظیفه در قبال اذعان به سهم دیگران و تلافی کردن زحمات آنان

۴- عدالت: وظیفه یا تکلیف برای جلوگیری از توزیع نامتصفانه منافع. این امر شامل منابع محدود نظیر اعضای مورد نظر برای پیوند نیز می شود.

۵- نیکوکاری، احسان: وظیفه و تکلیف در قبال افزایش سعادت همگانی

۶- خود ارتقایی: تکلیف در قبال بهتر سازی خود، این امر شامل تکلیف فرد برای یادگیری مستمر نیز می شود.

۷- عدم اضرار: وظیفه (تکلیف) برای جلوگیری از ضرر و زیان چند رویکرد کلی در قبال اصول اخلاقی

رویکرد تک اصلی: فلسفه کانتی مصادیق رویکرد تک اصلی است؛ که می گوید یک اصل اخلاقی بیشتر وجود ندارد و با همین یک اصل می توان در همه وضع و حال های اخلاقی تصمیم گرفت.

رویکرد چند اصلی: اصول اخلاقی جهانی، واقعی، عینی، قابل کشف و همزاد آدمی اند. همان طور که جامعه آدمی ظهور کرد، همتایش اصول اخلاقی هم ظاهر شد.

رویکرد بی اعتنائی به اصول: هیچ اصل اخلاقی وجود ندارد و کنشگر اخلاقی باید مصداق به مصداق، موقعیت به موقعیت انواع شرایط را بررسی کند و فقط برای همان شرایط تصمیم گیرد. او نمی تواند از راهنمایی هیچ اصل اخلاقی کمک گیرد، فقط معرفت پیشینی و تجربه های شخصی خودش، می تواند کمک کننده باشند، تصمیمی هم که می گیرد، فقط برای خودش، تصمیم اخلاقی است.

رویکرد متکی به نسی گرای اخلاقی: با رویکرد بی اعتنائی به اصول، قربت زیادی دارد این نگرش از یک سو می گوید اصول متعدد است، ولی بر خلاف رئالیست ها که می گویند اصول متعدد اما جهانی است، می گوید اصول متعدد اما کاملاً محلی است و هر فرهنگی اصول اخلاقی خودش را دارد.

#### چند پیشنهاد

ضرورت آموزش مستمر مسائل اخلاقی ( در تراز های رتبه اول و دوم، هم در علم اخلاق و هم در فلسفه اخلاق) به دانشجویان از طریق ارائه کارگاه های آموزشی، عرضه دروس جدید در برنامه های درسی، ترجمه و تالیف و ترجمه منابع مناسب

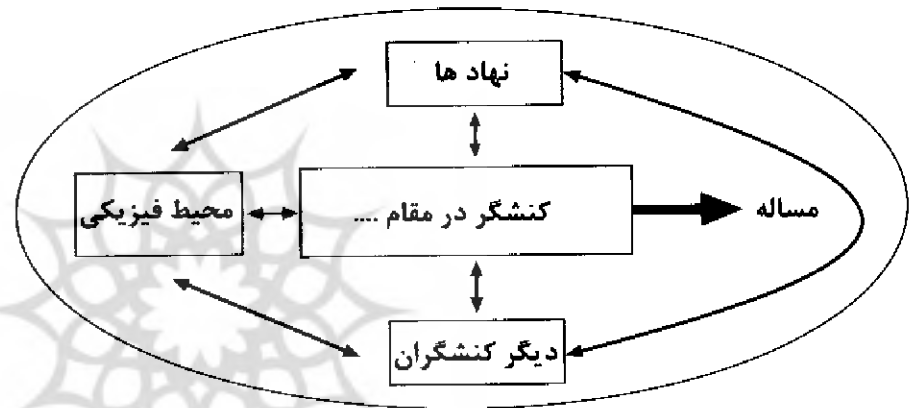
ضرورت بهره گیری از کمیته های اخلاقی متشکل از صاحب نظران دانشگاهی و دیگر کنشگران اصلی در حیطه عمومی، به منظور درج ملاحظات اخلاقی در تصمیم گیری ها در عرصه های مختلف

ضرورت تدوین چارچوب ها، اساس نامه ها و نظام نامه های اخلاق کاری، برای فعالیتهای دانشگاه و دانشگاهیان در هوبت های مختلف آنان.

اخلاقیات متکی به عدالت: آنجا که گفته می شود نور باید عادلانه در جامعه تقسیم شود. این نظریه مثل هر تئوری اخلاقی دیگر دارای ابهام است؛ چراکه معنای عدالت واضح نیست. یکی از معانی آن، عدالت ناظر بر رویه و مشی است، معنی دیگرش عدالت بازتوجهی، یعنی جایی که تصحیح اشتباه و تنبیه خطاکار و بازگرداندنش به جامعه مطرح است، دیگری عدالت توزیعی، یعنی توزیع عادلانه امکانات و

برآید. انواع راه حل ها و پیشنهادها وجود دارد، مدلی که من پیشنهاد می کنم، مدل «منطق موقعیت» است که رابطه کنشگر و نهاد را با دقت توضیح می دهد و تلاش می کند که با دستیابی به یک شناخت قابل قبول راهی برای یافتن پاسخ های مناسب پیدا کند. این مدل یک سلسله جزء دارد: ۱- خود موقعیت، مرز موقعیت یک مرز کاملاً پیشنهادی است، تحلیلگر بر مبنای ملاحظات، یک مرز را تعیین می کند. در

### مدل منطق و موقعیت



مسئولیت ها و بعدی عدالت خیرخواهانه است که منابع را به کسانی که دارای اولویت هستند، می دهد. البته این اولویت ها نیز باید تعریف شود.

اخلاقیات متکی به قواعد: در قرن ۱۷ این نظریه مطرح شد که اگر بشر به حال خودش رها شود وضعیت بدی رخ خواهد داد و جامعه به سمت یک شرایط جنگلی پیش می رود؛ در نتیجه جامعه ای که در آن قواعد حاکم باشد بهتر از جامعه ای است که در آن نرم های دیگر حاکم باشد. آنچه که اخلاق را می سازد قواعد است در نتیجه نهادی به نام دولت به منظور برقراری قواعد تشکیل می شود.

اخلاقیات متکی به حقوق: لاک نگاه خوش بینانه ای به بشر داشت و می گفت انبای بشر خواهان آزادی و تعامل با هم هستند، اگر حقوقشان به رسمیت شناخته شود، شرایطی که در جامعه برقرار می شود بهینه خواهد بود؛ بنا براین مجموعه دولت تشکیل شد، که وظیفه اش ایجاد امکاناتی است که افراد بتوانند از حقوق اولیه شان بر خوردار شوند.

اخلاق و وظیفه: کانت در صدد آن بود که یک نظام اخلاقی مستقل از آموزه های فرهنگی و دینی پیشنهاد دهد؛ که انسان به ما هو انسان عقلانی بتواند آن را بیابد. اصلی که در پایان تلاش هایش به آن رسید اصل اخلاق به مثابه عمل و وظیفه بود. فعل اخلاقی فعلی است که هیچ محرک دیگری غیر از عمل به وظیفه در آن نباشد. اما این هم مثل بقیه اخلاقیاتی که کانت پیشنهاد می داد هیچ گونه تعارضی را حل نمی کرد.

روایت راس از اخلاقیات: در قرن ۲۰ «راس» تئوری کانت را دقیق تر کرد و اصطلاحی تحت عنوان وظایف اخلاقی بدوی (در بدو امر) را پیشنهاد کرد.

درون این مرز یک سری از هستارها، که شماری از نهادها هستند، را مشخص می کند. ۲- کنشگر یا کنشگران اصلی (کنشگر در مقام عالم، تکنولوژیست و...) ۳- محیط فیزیکی ۴- یک سلسله کنشگرهای دیگر. در تمام بحث های اخلاقی، برای همه هستارها دو جنبه اساسی در نظر گرفته می شود: توان به عمل و تاثیرگذاری، امکان، استعداد و ظرفیت. در هر موقعیتی یک مسئله اخلاق دانشگاهی داریم، «این دانشجو را اخراج کنیم یا نه؟» باید با نهادهایی تعامل داشت که عده ای از آنها موافق و برخی دیگر مخالف هستند. فرد به عنوان یک کنشگر باید تمام این ملاحظات را به دقت تعریف کند و برای کنشگرها، تعدادی هدف و معرفت های پیشینی در نظر گیرد. سپس روابط این عناصر را با هم بسنجد و توجه داشته باشد، از تعامل این عناصر چه خروجی هایی حاصل می شود و کدام یک از آنها بر دیگری رجحان دارد. در تک تک گام ها باید مستدل عمل کند و البته برای هدایت هر گامی، باید یک نظریه راهنما، که چهارچوب های اخلاقی آن را پیشنهاد می کند، وجود داشته باشد.

#### فهرست مختصری از چهارچوب های اخلاقی

اخلاقیات متکی بر فضیلت: ارسطو در این زمینه نکات بسیار زیادی مطرح کرده، در فلسفه اسلامی هم آنجا که بحث اخلاقی می شود، اخلاقیات متکی به فضیلت بسیار پررنگ است. ارسطو می گوید: «فاعل اخلاقی، فاعلی است که فضایل نیک را در خودش پرورش دهد و ردایب اخلاقی را کنار گذارد.

فضایل اخلاقی دو حد افراط و تفریط دارند، ولی حد وسط آن مطلوب است. اخلاقیات متکی بر فضیلت، نقص های خاص خود را دارد. مثلاً با کدام معیار می توان فضیلت اخلاقی را تشخیص داد؟